

رابطه بین خودکارآمدی تدریس و خلاق با رفتار تدریس خلاقانه معلمان مقطع ابتدایی

احسان گهواره^۱، علی عبدی^۲، بهمن سعیدی پور^۳

^۱ کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی، دانشگاه پیام نور، واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

^۳ گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

چکیده

هدف پژوهش حاضر، رابطه بین خودکارآمدی تدریس و خلاق با رفتار تدریس خلاقانه معلمان مقطع ابتدایی بود. روش پژوهش، توصیفی-پیمایشی است و به لحاظ هدف کاربردی است. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه معلمان مقطع ابتدایی شهرستان دالاهو می‌باشد. که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و در دسترس تعداد ۱۷۳ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. به منظور گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استاندارد تدریس خلاق، پرسشنامه‌ای محقق ساخته با اقتباس مدل اکوال، پرسشنامه خودکارآمدی خلاق بیگیتو و مقیاس مقیاس خودکارآمدی معلم اسپچانن و همکاران استفاده گردید. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از تحلیل واریانس و آزمون T جهت تأیید و معادلات ساختار و تحلیل مسیر با نرم‌افزار SPSS۲۰ و PLS مورد استفاده قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد که مقدار آماره T بدست آمده برای تاثیر خودکارآمدی تدریس بر رفتار تدریس خلاقانه برابر با ۶/۷۲ و برای خودکارآمدی تدریس خلاق برابر با ۵/۲۷ که بزرگتر از ۱،۹۶ می باشد لذا بین خودکارآمدی تدریس و خلاق با رفتار تدریس خلاقانه معلمان مقطع ابتدایی ارتباط معناداری وجود دارد، نتایج همچنین نشان داد که با اطمینان ۹۵ درصد، بین خودکارآمدی تدریس، خودکارآمدی خلاق معلمان مقطع ابتدایی بر حسب جنسیت، تفاوت وجود ندارد. اما بین این دو گروه (زن و مرد) تفاوت معنی‌داری در میزان رفتار تدریس خلاقانه مشاهده شد.

واژه‌های کلیدی: خودکارآمدی تدریس، خودکارآمدی خلاق، رفتار تدریس خلاقانه، معلمان ابتدایی

مقدمه

معلمان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر تعلیم و تربیت، در پرورش خلاقیت نقش کلیدی دارند. نگرش معلمان به خلاقیت، میزان شناخت آنها از این امر، و نوع نگرش و نحوه تدریس آنان تاثیر مستقیمی بر غنی‌سازی محیط کلاسی برای رشد خلاقیت دانش‌آموزان دارد. لذا لازم است معلمان آموزش داده شوند تا نگرش و مهارت‌های لازم را برای رشد توانایی‌های خلاق دانش‌آموزان کسب نمایند (حسین چاری، ۱۳۹۶).

کیفیت تدریس خلاقانه معلم در کلاس درس و دیگر محیط‌های یادگیری تحت تأثیر عواملی چون نگاه او به تدریس، رفتارهای تدریس و موقعیتی که در آن تدریس می‌کند قرار می‌گیرد؛ در نتیجه، هر معلمی روش خاص خود را در استفاده از تخته سیاه و یا هر ابزار دیگری در تدریس دارد و هر شیوه باید سازمان دهنده و هدایت‌گر فعالیت دانش‌آموزان باشد (امینه محبی، ۱۳۹۸). معلمان، با به‌کارگیری روش‌های تدریس خلاق از میان تمامی شیوه‌های تدریس، میزان فعالیت خلاقانه و خودفراگیری و آگاهی دانش‌آموزان را در زمینه‌های گوناگون بالا می‌برد و در این فرایند اثربخشی کار خود را نیز به اثبات می‌رساند (فتحی هفشجانی، ۱۳۹۷). رنزولی (۱۹۹۸)، در مطالعاتی عوامل مؤثر بر پرورش خلاقیت را سه عنصر معلم، دانش‌آموز و برنامه درسی می‌داند. بدین ترتیب، او مهم‌ترین مؤلفه پرورش خلاقیت را عملکرد مدرسه می‌داند و معتقد است که معلمان می‌توانند گرایش به کارهای خلاق را از طریق علایق دانش‌آموزان برانگیزانند. هر قدر شدت و میزان علاقه دانش‌آموز بیشتر باشد خلاقیت بیشتری از خود نشان می‌دهد (رحمانی زاهد و همکاران، ۱۳۹۷).

تدریس خلاق به آموزش مؤثر مرتبط است (سایور، ۲۰۱۱؛ ریلی، لیلو، براول و گرونیش، ۲۰۱۱) که باعث افزایش یادگیری می‌شود (رینک ویچ، ۲۰۱۱). از این رو، جفری و گرافت (۲۰۰۴) تدریس خلاق را بیشتر جذاب و رضایت‌بخش کردن یادگیری از طریق روش‌های خلاق تعریف کرده‌اند. از نظر چان (۲۰۰۷) تدریس خلاق، می‌تواند دربرگیرنده ترویج فعالیت‌هایی همچون "حل مسئله خلاق، ارتباط خلاق، اختراع، تصویر خلاق و اشکال مختلف تفکر واگرا" شود. همچنین تدریس خلاق به عنوان فرایند ترکیب فرآیندهای خلاقانه و مولفه‌های خلاقیت در فرایند تدریس تعریف شده است (پالانی پان، ۲۰۰۹).

استارکو (۲۰۰۰)، بین تدریس برای خلاقیت با تدریس خلاقانه تفاوت قائل می‌شود به این ترتیب که اولی را به عنوان تدریس به‌کارگرفته شده به منظور پرورش خلاقیت دانش‌آموزان تعریف می‌کند و دومی را به عنوان به‌کارگیری روش‌های آموزشی خلاقانه به منظور دستیابی به اهداف تدریس تلقی می‌کند. بنابراین ابزارهای حمایت‌کننده برای بروز خلاقیت و نوآوری در تدریس شامل فرهنگ، برنامه درسی، مهارت‌های فردی، ساختار تدریس و یادگیری، معلمان، تکنولوژی و ابزار هستند (حرمتمی، ۱۳۹۴). برخی از عوامل نیز از دیدگاه معلمان نقش کلیدی در تدریس خلاق دارند که شامل انگیزه، تلاش فردی، طرز تفکر، اعتقاد در مورد تدریس، تعهد به تدریس، ویژگی‌های فردی و عامل محیطی می‌باشد (فتحی و همکاران، ۱۳۹۷).

¹Sawyer,

²Reilly, R. C., Lilly, F., Bramwell, G., & Kronish,

³Rinkevich,

⁴Jeffrey and Craft

⁵Chan

⁶Palaniappan

⁷Starko, A. j

گوته (۲۰۰۰)، با تعریف چارچوبی برای شایستگی مدرسان، قابلیت‌ها و شخصیت مدرسان را از عوامل مهم در توانمندی و کیفیت تدریس آن‌ها می‌داند. وی معتقد است که خودکارآمدی، علاقه‌مندی، باورها و اعتقادات به‌عنوان ویژگی‌های شخصیتی معلمان بر کیفیت تدریس آنان موثر است (قاسم زاده و همکاران، ۱۳۹۶). بنابراین یکی از این قابلیت‌ها که می‌تواند در بروز خلاقیت در تدریس موثر باشد، خودکارآمدی است. خودکارآمدی به عنوان قضاوت درباره قابلیت‌های خود جهت ایجاد پیامدهای مثبت برای یادگیری فراگیران تعریف می‌شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که معلمان با خودکارآمدی تدریس مثبت، سطوح بالاتری از تعهد و اشتیاق را در قبال کار خود دارند (جلال نیا و همکاران، ۱۳۹۷).

می‌توان گفت خودکارآمدی معلم به عنوان اعتماد وی به سازماندهی موثر و انجام اقدامات خاص مرتبط با یک وظیفه تدریس خاص می‌باشد (معصومی، ۱۳۹۶). باورهای خودکارآمدی معلم تعیین کننده سطح تدریس وی در کلاس درس است (قاسمی، ۱۳۹۶). مهم‌ترین ویژگی افراد خلاق، داشتن خودپنداشت بالاست. این افراد خودشان را ارزشمند می‌دانند. هنگامی که فرد تصور خوبی درباره خود دارد، احساس می‌کند که موجودی تواناست و با اطمینان فکر می‌کند و می‌کوشد که رفتارش توأم با موفقیت باشد تا بعدها موجب افزایش احساس ارزشمندی شود (کیانی و همکاران، ۱۳۹۷). استادان با خودکارآمدی بالا بر تعامل فعال با دانشجویان اصرار دارند (هورنگ، ۲۰۰۴) و بهتر می‌توانند خود را با دانش آموزان هماهنگ کنند و به نیازهای ویژه آنان پاسخ دهند. این خودکارآمدی می‌تواند سبب بروز رفتارهایی مانند صرف زمان بیشتر در کلاس، خلاقیت بیشتر در طراحی برنامه‌های درسی، مدیریت مؤثر کلاس درس و نیز به کارگیری روش‌های تدریس متناسب‌تر با ویژگی‌های فراگیران شود. در نهایت باورهای خودکارآمدی آنها بر تصمیمات آموزشی تأثیر می‌گذارد و از این طریق بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانشجویان مؤثر است (محمودی، ۱۳۹۴).

خودکارآمدی معلم در کلاس علاوه بر اینکه به طور مستقیم می‌تواند با جو محیطی کلاس ارتباط داشته باشد، به طور غیرمستقیم با افزایش بهره‌وری شیوه‌های تدریس معلم و احساس معلم در خودکارآمدی در تدریس نیز می‌تواند کیفیت جو کلاس را افزایش دهد. معلمی که دارای خودکارآمدی بالایی در مدیریت نظم کلاس است، باعث می‌شود در کلاس محیطی به وجود آورد که بهتر بتواند شیوه‌های تدریس مؤثر خود را تحقق بخشد (رضایپور میرصالح، ۱۳۹۵). متغیرهای متعددی بر روی برانگیختن رفتارهای خلاقانه در تدریس موثر هستند. یکی از این متغیرها باورهای خودکارآمدی است. خودکارآمدی بر تلاش استاد در تدریس موثر است. بنابراین قضاوت استادان در ارتباط با صلاحیت‌های حرفه‌ای شان بر گرایش‌ها، رفتارها و فعالیت‌هایی که خلاقیت را گسترش و یا از بین می‌برد تأثیرگذار است. استادان با خودکارآمدی بالا نسبت به ایده‌های جدید پذیراتر هستند و روش‌های جدیدتری در آموزش خود دارند و گرایش‌های فراگیر محوری در تدریس دارند. آن‌ها از استقلال فراگیر حمایت می‌کنند. این استادان از اشتباه فراگیر استقبال می‌کنند و رویکردهای انسان‌گرایانه‌ای را در مدیریت کلاس درس به کار می‌گیرند. همه این موارد حمایت کننده محیط‌های یادگیری خلاق و توسعه دهنده رفتارهای خلاقانه است. همچنین اساتید با سطح خودکارآمدی پایین از کنترل بیشتر در کلاس درس و همچنین پاداش‌های بیرونی برای تشویق و تنبیه استفاده می‌کنند. آنها بیشتر اقتدارگرا هستند. اعتقادات خودکارآمدی استادان بر پیشرفت فراگیران، انگیزش و علایق آن‌ها تأثیرگذار است (حکاک و همکاران، ۲۰۱۵).

بروکوس به نقل از بندورا ادعا می‌کند که خودکارآمدی یک بستر تسهیل کننده برای فعالیت خلاق است به این دلیل که خودکارآمدی انگیزش را بالا می‌برد و بنابراین بر تفکر و عمل تأکید می‌کند. از این رو خودکارآمدی به عنوان یک جزء کلیدی و

^۱ - Goe

^۲ - Horng

برانگیزاننده برای فعالیت خلاق است (هافمن، ۲۰۱۵). احتمال استفاده استادان با باورهای خودکارآمدی بالا از نوآوری‌های آموزشی در کلاس نسبت به استادانی که دارای احساس پایین‌تری از خودکارآمدی خود هستند، بیشتر است. استادان با خودکارآمدی بالا اهداف سطح بالاتری را برای تدریس‌شان در نظر می‌گیرند و از این طریق فراگیران را به یادگیری عمیق‌تر و سطح بالاتری سوق می‌دهند. این استادان روش‌های قوی‌تری را برای تدریس‌شان مورد استفاده قرار می‌دهند. همچنین بیشتر به نیازهای فراگیران ضعیف توجه می‌کنند و با اولیای فراگیران نیز تعامل بیشتری دارند (دیسون، ۲۰۱۶).

بررسی‌های صورت گرفته در مطالعاتی که در ایران انجام شده است نشان داد پژوهشی که به طور دقیق و مشخص به بررسی رابطه این دو متغیر (خودکارآمدی و تدریس خلاق) بپردازد انجام نشده است. با توجه به این که فرایند تدریس ماهیتی چندبعدی است، تبیین ویژگی‌های شخصیتی استادان در فرایند تدریس و چه بسا موفقیت در آن مثرم ثمر باشد. آموزش عالی در گزینش خود به نقش ویژگی‌های شخصیتی در کیفیت عملکرد استادان توجهی ندارد و چه بسا استادان در زمینه تدریس، در طول حیات حرفه‌ای خود، آموزشی دریافت نکنند. به نظر می‌رسد بیان ارتباط این دو مولفه می‌تواند در جهت نگاه حرفه‌ای به تدریس و نقش ویژگی‌های شخصیتی و فردی استادان در هنگام گزینش و حتی آموزش‌های بعدی روشن‌گر باشد. نظر به اهمیت خودکارآمدی استادان در بروز خلاقیت در تدریس، مطالعه حاضر با هدف بررسی رابطه بین خودکارآمدی و رفتار تدریس خلاقانه در آنان صورت گرفت.

روش شناسی پژوهش

تحقیق حاضر به دلیل از نظر هدف کاربردی است و از نظر شیوه گردآوری و تحلیل اطلاعات نیز این تحقیق توصیفی و از نوع پیمایشی است همچنین به لحاظ زمانی نیز این تحقیق از نوع مقطعی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه معلمان مقطع ابتدایی شهرستان دالاهو به تعداد ۳۲۴ نفر می‌باشد. روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و در دسترس بود و با استفاده از جدول کرجسی و مورگان تعداد ۱۷۳ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. جهت سنجش متغیرها از ۳ نوع پرسشنامه استفاده گردید.

۱- پرسشنامه استاندارد تدریس خلاق: پرسشنامه استاندارد تدریس خلاق، پرسشنامه‌ای محقق ساخته است که بر اساس مدل اکوال (۱۹۹۶) طراحی شده است. این پرسشنامه دارای ۵۵ سوال و ۱۰ مولفه می‌باشد و بر اساس طیف پنج گزینه‌ای لیکرت با سوالاتی مانند (محیط کلاس ما همراه با آرامش و بدون احساس ترس است.) به سنجش تدریس خلاق می‌پردازد.

^{۱۰} Kaufman

^{۱۱} Dyson

۲- پرسشنامه خودکارآمدی خلاق (بیگیتو، ۲۰۰۶): معرفی پرسشنامه : پرسشنامه خودکارآمدی خلاق توسط بیگیتو (۲۰۰۶) ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۷ گویه است.

۳- پرسشنامه خودکارآمدی تدریس: مقیاس خودکارآمدی معلم توسط اسپچانن، موران و وولفولک (۲۰۰۱) ساخته شده است که از ۲۴ گویه و ۳ خرده مقیاس درگیر کردن فراگیر (۷ سوال)، راهبردهای آموزشی (۹ سوال) و مدیریت کلاس (۸ سوال) تشکیل شده است که به منظور سنجش خودکارآمدی معلم بکار می رود.

. به منظور توصیف یافته‌ها، از جداول و نمودارهای فروانی استفاده شده است. در قسمت آمار استنباطی نیز، با استفاده از آزمون کلموگروف-اسمیند نرمال بودن متغیرها بررسی می‌شوند. از تحلیل واریانس و آزمون t جهت تأیید و یا رد فرضیه‌های تحقیق از معادلات ساختار و تحلیل مسیر با نرم‌افزار SPSS۲۰ و PLS مورد استفاده قرار گرفت. سطح معنی‌داری آزمون ($p < 0.05$) در نظر گرفته می‌شود.

یافته های پژوهش

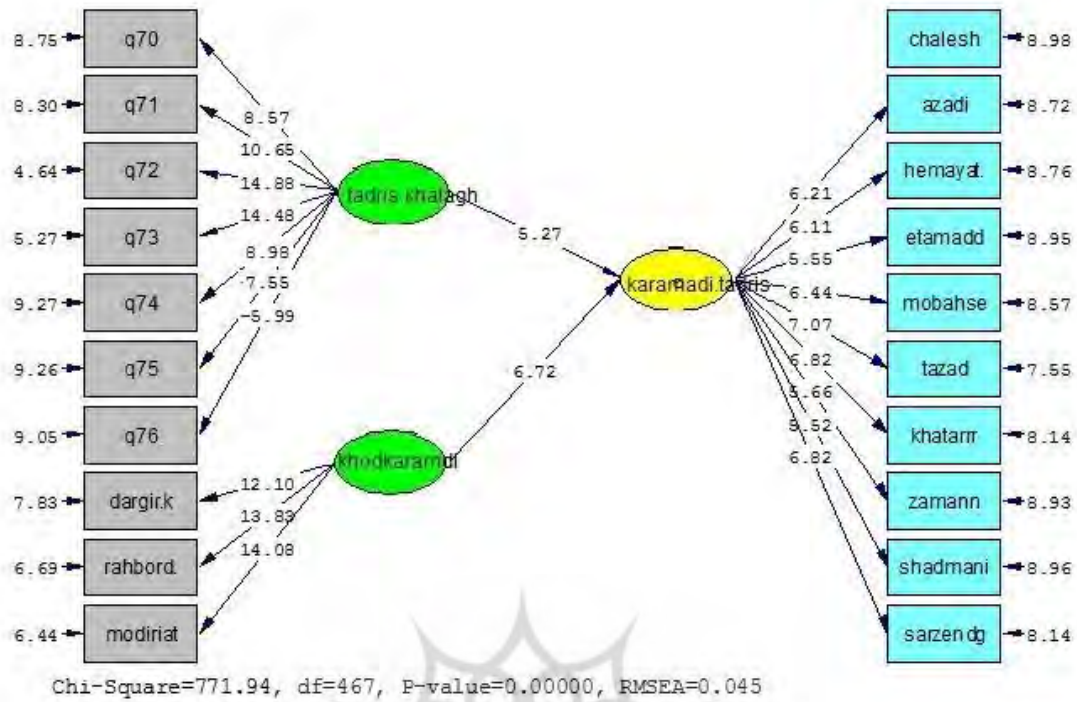
براساس شاخص های آمار توصیفی، از تعداد ۱۷۳ نفر نمونه آماری پژوهش، ۵۳ نفر مرد و ۱۱۹ نفر زن می‌باشند. بیشترین تعداد نمونه آماری پژوهش در پایه پنجم ابتدایی تدریس می‌کنند و سابقه تدریس خود را یک الی ۱۰ سال عنوان نموده‌اند.

در این پژوهش مدل‌سازی معادلات ساختاری برای آزمون فرضیه‌های ناشی از مدل نظری تحقیق مورد استفاده قرار می‌گیرد. ارزیابی بخش ساختاری مدل همان معناداری آماری پارامترهای برآورد شده به صورت مجزا برای مسیرهای علی مدل است که مقادیر بحرانی بوده و بر اساس تقسیم برآورد پارامترها بر خطاهای معیار مربوطه به دست می‌آیند. این‌ها همان مقادیر t هستند. چنان چه آماره T به دست آمده بزرگتر از ۱,۹۶ و یا کوچکتر از -۱,۹۶ باشد، ضرایب مسیر معنادار است و فرضیه پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد در غیر این صورت فرضیه پژوهش رد می‌شود. با استفاده از روش حداکثر درست‌نمایی، مدل‌سازی معادلات ساختاری اجرا شد. مشاهده می‌شود که کلیه شاخص‌های برازش در محدوده مورد پذیرش واقع شدند (جدول ۱)

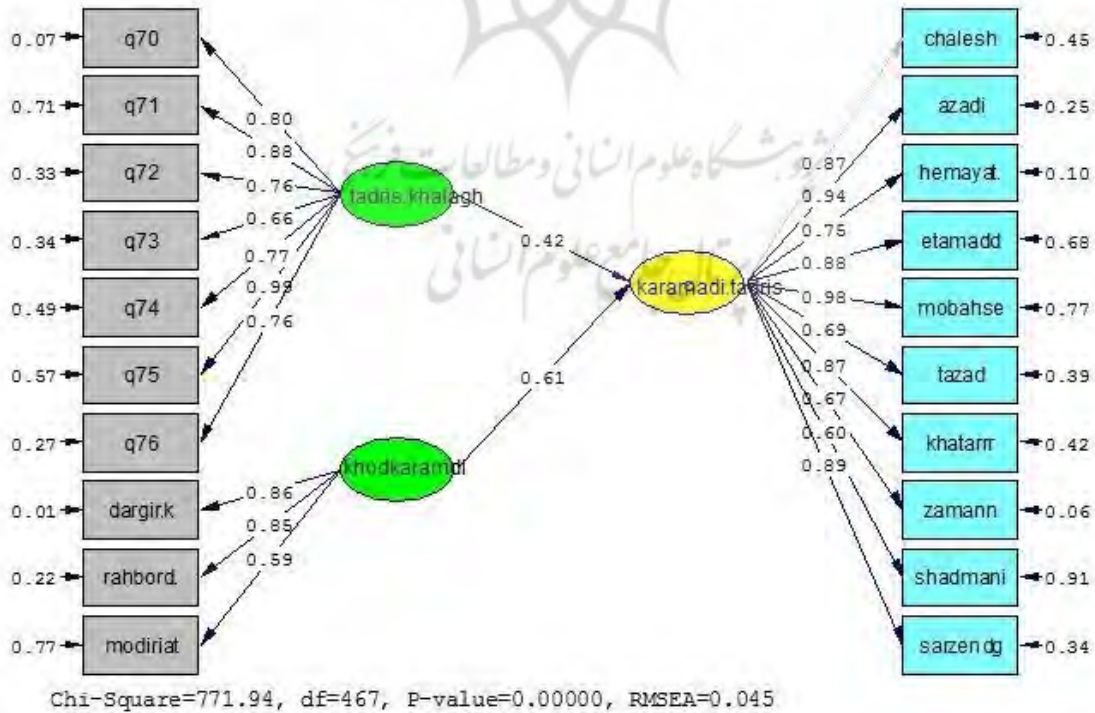
جدول ۱: شاخص های برازش مدل ساختاری مربوط به فرضیه های پژوهش

X^2	DF	X^2/DF	RMSEA	GFI	AGFI	NFI	شاخص های برازش
	ملاک بیش از صفر	ملاک کمتر از ۳	ملاک کمتر یا مساوی ۰,۰۸	ملاک بیش از ۹۰	ملاک بیش از ۹۰	ملاک بیش از ۹۰	حدمجاز
۷۷۱/۹۴	۴۶۷	۱/۶۵	۰/۰۴۵	۰/۹۳	۰/۹۱	۰/۹۰	مقادیر بدست آمده

پس از تأیید برازش مدل می‌توان به بررسی نتایج آزمون فرضیات تحقیق پرداخت.



شکل ۱: نتیجه بدست آمده برای مدل ساختاری تحقیق در حالت معناداری



شکل ۲: نتیجه بدست آمده برای مدل ساختاری تحقیق در حالت ضرایب استاندارد

با توجه به شکل ۴-۱ و ۴-۲ در ادامه به بررسی فرضیه های پژوهش پرداخته می شود.

فرضیه اصلی پژوهش: بین خودکارآمدی تدریس و خلاق با رفتار تدریس خلاقانه معلمان مقطع ابتدایی تاثیر معناداری وجود دارد.

با توجه به شکل ۱ مقدار آماره T بدست آمده برای تاثیر خودکارآمدی تدریس بر رفتار تدریس خلاقانه برابر با ۶/۷۲ و برای خودکارآمدی تدریس خلاق برابر با ۵/۲۷ که بزرگتر از ۱،۹۶ می باشد و فرضیه پژوهش مورد تایید قرار می گیرد و می توان چنین استنباط نمود: بین خودکارآمدی تدریس و خلاق با رفتار تدریس خلاقانه معلمان مقطع ابتدایی تاثیر معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شکل ۴-۲ ضریب مسیر بدست آمده مثبت می باشد این رابطه به صورت مستقیم می باشد. از این رو می توان عنوان نمود که بین خودکارآمدی تدریس و خلاق با رفتار تدریس خلاقانه معلمان مقطع ابتدایی تاثیر مثبت و معناداری وجود دارد.

بین خودکارآمدی تدریس معلمان مقطع ابتدایی بر حسب ویژگی های جمعیت شناختی (جنسیت، تحصیلات و سابقه تدریس) تفاوت وجود دارد.

این فرضیه به چند فرضیه فرعی تقسیم شد تا تفاوت بین خودکارآمدی تدریس معلمان مقطع ابتدایی به تفکیک هر یک از متغیرهای جمعیت شناختی آزمون شود.

***بین خودکارآمدی تدریس معلمان مقطع ابتدایی بر حسب جنسیت، تفاوت وجود دارد.**
به منظور بررسی فرضیه از آزمون تی دو نمونه مستقل استفاده شد.

جدول ۲ نتایج آزمون تی دو نمونه مستقل بین خودکارآمدی تدریس و جنسیت

متغیر	T	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین ها
خودکارآمدی تدریس	۰/۰۱۹	۱۷۰	۰/۹۸۵	۰/۰۳۷

نتایج به دست آمده از آزمون تی (t= ۰/۰۱۹) و سطح معنی داری (P=۰/۹۸۵) نشان داد که بین این دو گروه تفاوت معنی داری در میزان خودکارآمدی تدریس در سطح جامعه مشاهده نشد. به این معنی که با اطمینان ۹۵ درصد، معلمان مرد و زن از نظر خودکارآمدی تدریس نسبت به یکدیگر تفاوت معنی داری در جامعه نداشتند و مانند هم بودند. در نتیجه دلیلی بر رد فرض صفر پژوهش یافت نشد. لذا فرضیه بین خودکارآمدی تدریس معلمان مقطع ابتدایی بر حسب جنسیت، تفاوت وجود دارد. مورد تایید قرار نمی گیرد.

بین خودکارآمدی تدریس معلمان مقطع ابتدایی بر حسب ویژگی های جمعیت شناختی (تحصیلات) تفاوت وجود دارد. به منظور مقایسه خودکارآمدی تدریس معلمان مقطع ابتدایی بر اساس سطح تحصیلات با توجه به وجود سه گروه، از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شد

جدول ۳- نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه برای متغیر خودکارآمدی تدریس بر حسب سطح تحصیلات

سطح تحصیلات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
بین گروهی	۱۸۹/۵۱۲	۳	۶۳/۱۷۱	۰/۴۶۱	۰/۷۱۰
درون گروهی	۲۲۱۸۸/۳۹۲	۱۶۲	۱۳۶/۹۶۵		
کل	۲۲۳۷۷/۹۰۴	۱۶۵	-		

بر اساس نتایج به دست آمده از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه ($F=0/461$) و سطح معنی داری ($P=0/710$) مندرج در جدول ۳ می توان گفت که بین سطح تحصیلات، تفاوت معنی داری از نظر خودکارآمدی تدریس مشاهده نشد. به بیانی دیگر، با اطمینان ۹۵ درصد می توان گفت بین خودکارآمدی تدریس معلمان مقطع ابتدایی بر حسب ویژگی های جمعیت شناختی (تحصیلات) تفاوت وجود ندارد.

***بین خودکارآمدی تدریس معلمان مقطع ابتدایی بر حسب ویژگی های سابقه تدریس تفاوت وجود دارد.**

به منظور مقایسه خودکارآمدی تدریس معلمان مقطع ابتدایی بر اساس سابقه تدریس، از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شد

جدول ۴- نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه برای متغیر خودکارآمدی تدریس بر حسب سابقه تدریس

سطح تحصیلات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معنی داری
بین گروهی	۱۷۵/۵۲۱	۳	۸۷/۲۱۴	۰/۶۴۲	۰/۰۰۴
درون گروهی	۳۲۱۴/۲۵۸	۱۶۲	۱۱۲/۸۹۶		
کل	۱/۷۷۹	۱۶۵	-		

بر اساس نتایج به دست آمده از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه ($F=0/642$) و سطح معنی داری ($P=0/004$) مندرج در جدول ۴ می توان گفت که بین سابقه تدریس، تفاوت معنی داری از نظر خودکارآمدی تدریس مشاهده شد. به بیانی دیگر، با اطمینان ۹۵ درصد می توان گفت بین خودکارآمدی تدریس معلمان مقطع ابتدایی بر حسب سابقه تدریس تفاوت وجود دارد. **بین خودکارآمدی خلاق معلمان مقطع ابتدایی بر حسب ویژگی های جمعیت شناختی (جنسیت، تحصیلات و سابقه تدریس) تفاوت وجود دارد.**

این فرضیه به چند فرضیه فرعی تقسیم شد تا تفاوت بین خودکارآمدی خلاق معلمان مقطع ابتدایی به تفکیک هر یک از متغیرهای جمعیت شناختی آزمون شود.

***بین خودکارآمدی خلاق معلمان مقطع ابتدایی بر حسب جنسیت، تفاوت وجود دارد.**

به منظور بررسی فرضیه از آزمون تی دو نمونه مستقل استفاده شد.

جدول ۵ نتایج آزمون تی دو نمونه مستقل خودکارآمدی خلاق و جنسیت

متغیر	T	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین ها
خودکارآمدی خلاق	۰/۵۶۴	۱۷۰	۰/۱۷۶	-۲/۱۷

نتایج به دست آمده از آزمون تی ($t=0/564$) و سطح معنی داری ($P=0/176$) نشان داد که بین این دو گروه تفاوت معنی داری در میزان خودکارآمدی خلاق در سطح جامعه مشاهده نشد. به این معنی که با اطمینان ۹۵ درصد، معلمان مرد و زن از نظر خودکارآمدی خلاق نسبت به یکدیگر تفاوت معنی داری در جامعه نداشتند و مانند هم بودند. در نتیجه دلیلی بر رد فرض صفر پژوهش یافت نشد. لذا فرضیه بین خودکارآمدی خلاق معلمان مقطع ابتدایی بر حسب جنسیت، تفاوت وجود دارد. مورد تایید قرار نمی گیرد.

***بین خودکارآمدی خلاق معلمان مقطع ابتدایی بر حسب ویژگی های جمعیت شناختی (تحصیلات) تفاوت وجود دارد.**

به منظور مقایسه خودکارآمدی خلاق معلمان مقطع ابتدایی بر اساس سطح تحصیلات با توجه به وجود سه گروه، از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شد.

جدول ۶ نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه برای متغیر خودکار آمدی خلاق بر حسب سطح تحصیلات

سطح تحصیلات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معنی‌داری
بین‌گروهی	۹۸۷/۳۴۸	۳	۳۲۹/۱۱۶	۱/۲۶۶	۰/۲۸۸
درون‌گروهی	۴۲۱۲۸/۲۶۷	۱۶۲	۲۶۰/۰۵۱		
کل	۴۳۱۱۵/۶۱۴	۱۶۵	-		

بر اساس نتایج به دست‌آمده از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه ($F=1/266$) و سطح معنی‌داری ($P=0/288$) مندرج در جدول ۶ می‌توان گفت که بین سطح تحصیلات، تفاوت معنی‌داری از نظر خودکار آمدی خلاق مشاهده نشد. به بیانی دیگر، با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت بین خودکار آمدی خلاق مقطع ابتدایی بر حسب ویژگی‌های جمعیت شناختی (تحصیلات) تفاوت وجود ندارد.

بین رفتار تدریس خلاقانه معلمان مقطع ابتدایی بر حسب ویژگی‌های جمعیت شناختی (جنسیت، تحصیلات و سابقه تدریس) تفاوت وجود دارد.

این فرضیه به چند فرضیه فرعی تقسیم شد تا تفاوت بین رفتار تدریس خلاقانه معلمان مقطع ابتدایی به تفکیک هر یک از متغیرهای جمعیت‌شناختی آزمون شود.

***بین رفتار تدریس خلاقانه معلمان مقطع ابتدایی بر حسب جنسیت، تفاوت وجود دارد.**

به منظور بررسی فرضیه از آزمون تی دو نمونه مستقل استفاده شد.

جدول ۷: نتایج آزمون تی دو نمونه مستقل رفتار تدریس خلاقانه و جنسیت

متغیر	T	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	تفاوت میانگین‌ها
رفتار تدریس خلاقانه	-۲/۱۰۰	۱۷۰	۰/۰۳۷	۱/۷۸

نتایج به دست‌آمده از آزمون تی ($t=2/100$) و سطح معنی‌داری ($P=0/037$) نشان داد که بین این دو گروه تفاوت معنی‌داری در میزان رفتار تدریس خلاقانه در سطح جامعه مشاهده شد. به این معنی که با اطمینان ۹۵ درصد، معلمان مرد و زن از نظر رفتار تدریس خلاقانه نسبت به یکدیگر تفاوت معنی‌داری در جامعه دارند. در نتیجه فرض صفر پژوهش رد می‌شود لذا فرضیه بین رفتار تدریس خلاقانه معلمان مقطع ابتدایی بر حسب جنسیت، تفاوت وجود دارد. مورد تایید قرار می‌گیرد.

***بین رفتار تدریس خلاقانه معلمان مقطع ابتدایی بر حسب ویژگی‌های جمعیت شناختی (تحصیلات) تفاوت وجود دارد.**

به منظور مقایسه رفتار تدریس خلاقانه معلمان مقطع ابتدایی بر اساس سطح تحصیلات با توجه به وجود سه گروه، از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شد

جدول ۸ نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه برای متغیر رفتار تدریس خلاقانه بر حسب سطح تحصیلات

سطح تحصیلات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معنی‌داری
بین‌گروهی	۸۲/۵۶	۳	۲۷/۵۲۱	۱/۰۲۸	۰/۳۸۲
درون‌گروهی	۴۳۳۶/۴۷۳	۱۶۲	۲۶/۷۶۸		
کل	۴۴۱۹/۰۳۶	۱۶۵	-		

بر اساس نتایج به دست آمده از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه ($F=1/0.28$) و سطح معنی داری ($P=0/382$) مندرج در جدول ۸ می توان گفت که بین سطح تحصیلات، تفاوت معنی داری از نظر رفتار تدریس خلاقانه مشاهده نشد. به بیانی دیگر، با اطمینان ۹۵ درصد می توان گفت بین رفتار تدریس خلاقانه معلمان مقطع ابتدایی بر حسب ویژگی های جمعیت شناختی (تحصیلات) تفاوت وجود ندارد.

بحث و نتیجه گیری

-نتایج فرضیه اصلی پژوهش نشان داد بین خودکارآمدی تدریس با رفتار تدریس خلاقانه معلمان مقطع ابتدایی ارتباط معناداری وجود دارد. که همسو با نتایج پژوهش های محبی امین و همکاران (۱۳۹۸)، شهیدی و همکاران (۲۰۱۲) و رضایی و همکاران (۱۳۹۴) بود. در تبیین این یافته می توان گفت که معلمانی که احساس خودکارآمدی بالایی دارند تعهدی بالا برای رسیدن به اهداف خود دارند؛ شکست خود را بیشتر به تلاش نابسند و دانش و مهارت ناقص اما جبران ناپذیر نسبت داده و موفقیت های خود را به توانمندی شخصی نسبت می دهند. در واقع معلمانی که خودکارآمدی بالایی دارند تعهد بیشتری برای استفاده از روش های بدیع و خلاقانه در تدریس خود دارند. همچنین یکی از متغیرهای دخیل در تدریس خلاقانه، تلاش فردی است. تدریس خلاقانه نیاز به تلاش بسیار زیاد دارد و معلمانی که روش های جدید تدریس را به کار می گیرند، پیش از کلاس، زمان وسیعی را به طراحی روش تدریس اختصاص می دهند. یکی از مولفه هایی که در بسترسازی تدریس خلاقانه نقش ایفاء می کند، اعتقادات معلمان درباره تدریس است. معلمان باورها و عقاید گوناگونی در مورد تدریس دارند. به بیان دیگر، تدریس معلمان به طور واقعی منعکس کننده عقاید انسانی آن ها در تدریس است باورهای معلمان به عنوان یک غربال شناختی بر روی اندیشه و اعمال آن ها تصور می شود مطابق نظریه شناختی اجتماعی بندورا، باورهای کارآمدی یاددهنده مهم ترین عامل تفاوت در چگونگی تفکر، احساس و عمل افراد است. باورهای خودکارآمدی معلمان بر عملکرد تدریس آن ها تأثیر مثبت می گذارد و موجب می شود از عهده وظایفی که موجب افزایش کیفیت تدریس می شوند (مانند برنامه ریزی آموزش، مدیریت کلاس، انجام مسئولیت های حرفه ای و ارزشیابی و مشارکت) به خوبی برآیند و در جایی که استادان از خودکارآمدی بالایی برخوردارند می توان انتظار داشت که کیفیت تدریس در حد مطلوب باشد. این یافته را می توان این گونه تبیین کرد که باورهای یاددهنده تعیین کننده رفتارهای او در حین آموزش است. اعتقاد بر این است که این باورها بر فعالیت ها، تلاش و پشتکار وی در آموزش تأثیر گذار است.

-نتایج فرضیه اصلی پژوهش همچنین بیانگر آن بود که بین خودکارآمدی خلاق با رفتار تدریس خلاقانه معلمان مقطع ابتدایی ارتباط معناداری وجود دارد. در تبیین نتایج حاصل می توان گفت که خودکارآمدی مدرس باوری است که انتظار می رود، رفتارها، تصمیم ها و انگیزه معلمان را در خصوص تدریس هدایت نماید، به عبارت دیگر خودکارآمدی ریشه در توانایی معلمان برای هدایت تصمیم های آنان در ایفاء نقش خود دارد اهمیت فراهم کردن بسترهای ملزم برای بروز خلاقیت در امر تدریس و در تعامل با دانش آموزان آن چنان زیاد است که باید تلاش گردد تا هر معلم باید به یک حس از خلاقیت مجهز شود. بنابراین تحلیل ادراک معلمان در مورد معلمان و دانش آموزان خلاق به منزله یک پیش نیاز ضروری برای تحقیق در مورد خلاقیت، ارزیابی و ارتقا آن در محی مدرسه تلقی می گردد. شاید هنر خلاقیت اولین و مهمترین بعد تدریس و یادگیری باشد. در آموزش پرورش فعال، نقش معلم تشنه کننده است نه سیراب کننده. معلم خلاق، ذهن دانش آموز را از تعادل و سکون و رضایت از وضع موجود خارج می کند تا خود فرد از طریق قانون و اصل تعادل جویی به تعادل دست یابد. معلمان خلاق افرادی با سواد، پرنرژی با یک شیوه حمایت گرانه، روشن و بارز هستند. ویژگی قابل انتظار از چنین معلمانی، پیچیدگی و تنوع تدریس آنان است. آنها از امور معمولی زیادی برای ساده سازی زندگی کلاس و حفظ وقت برای یادگیری استفاده می کنند. در خلال زمان آموزش، تمایل دارند تا کنترل کلاس را از خودشان به دانش آموز انتقال دهند. که همسو با پژوهش گوس و همکاران (۲۰۱۷)، موریس و همکاران (۲۰۱۵) و کاظمی شفقی (۱۳۹۵) می باشد. بنابراین می توان گفت که خودکارآمدی خلاق معلمان باعث می شود آن ها توانایی های خود را بهتر بشناسند و به وسیله آن بر یادگیری دانش آموزان تأثیر گذاشته و از

عهده وظایفی که موجب بهبود مدیریت کلاس می‌شوند (مانند برقراری ارتباط در کلاس، انگیزش، رهبری کلاس، انضباط کلاس و درگیر کردن دانش‌آموزان در یادگیری) به خوبی برآیند.

در فرضیه فرعی اول پژوهش، نتایج نشان داد که، معلمان مرد و زن از نظر خودکارآمدی تدریس نسبت به یکدیگر تفاوت معنی‌داری نداشتند همسو با این نتایج در پژوهش زاهد و همکاران (۱۳۹۵) و حسین چاری و همکاران (۱۳۹۶) بین جنسیت و خودکارآمدی تدریس رابطه معنی‌داری یافت نشد همچنین بین سطح تحصیلات، تفاوت معنی‌داری از نظر خودکارآمدی تدریس مشاهده نشد. در تبیین نتایج حاصل می‌توان گفت که معلمان زن و مرد باید دانش خود را در مورد تغییرات مداوم در فرآیند یاددهی یادگیری دوباره خلق کنند. در مسیر تغییر نقش معلم، نقش معلم از مخابره‌کننده اطلاعات، به یاری‌گر فراگیری، راهنما و هم‌درس با دانش‌آموز تغییر می‌یابد. این نقش جدید مستلزم دانش و مهارت جدید است. در چنین محیطی، دانش‌آموز در فرآیند یادگیری خود مسئولیت بزرگ‌تری را به عهده می‌گیرد، چرا که می‌بایست بجوید، بیابد، نتیجه بگیرد و در دانسته‌های خود با دیگران شریک شود. معلمان فارغ از هر نوع جنسیت و مدرک تحصیلی باید با راهنمایی دانش‌آموزان به جست‌وجو و تحقیق و تفکر، انگیزه لازم را برای خلاقیت و نوآوری ایجاد کنند معلم در عصر فن‌آوری اطلاعات به مهارت‌هایی فراتر از گذشته نیاز دارد. برای دستیابی به هدف‌های دانشی، نگرشی و مهارتی، معلمان باید زمینه کار عملی را برای دانش‌آموزان فراهم کنند. مهارت‌های کشف و طراحی را، که در هدف‌های آموزشی بر آن تأکید شده، آموزش دهند، تا دانش‌آموزان بتوانند به کمک مهارت‌ها و نگرش‌هایی که کسب کرده‌اند، کارکردن با مواد واقعی را یادگیرند و بسیاری از مفاهیم اساسی را از طریق جست‌وجو، اکتشاف، برقراری ارتباط، اندازه‌گیری، استنباط، پیش‌بینی و ارزیابی کشف کنند. در این رستاخورد و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خود دریافتند که ویژگی‌های شخصیتی معلم، عوامل خانوادگی، تجارب مربوط به رشد و آموزش، باورهای مناسب در امر تدریس و جنبه‌های اداری سازمان مدرسه از عوامل مؤثر بر آموزش خلاقانه معلمان می‌باشند.

نتایج همچنین نشان داد که بین خودکارآمدی تدریس معلمان مقطع ابتدایی بر حسب سابقه تدریس تفاوت وجود دارد. هانگ و همکاران (۲۰۰۳) یکی از عوامل مهم در خودکارآمدی تدریس را تجربه معلمان می‌باشد. معلمانی که تجارب زیاد و سابقه تدریس بیشتری دارند، از توان ذهنی بالاتری برخوردارند که این امر به آنها امکان بهبود وضعیت آموزشی را فراهم می‌سازد. حال آنکه معلم کم‌سابقه و کم‌تجربه در بند تجارب محدود خود هستند و این امر، محدوده ایده‌های مقبول او را مشخص می‌کند و مانع خلاقیت دانش‌آموزان او می‌شود. نتایج مطالعه کاظمی و جعفری (۱۳۸۷) نیز نشان داد که با افزایش سابقه تدریس معلمان و افزایش خلاقیت دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

فرضیه فرعی دوم پژوهش نشان داد بین سطح تحصیلات و جنسیت، تفاوت معنی‌داری از نظر خودکارآمدی خلاق مشاهده نشد. معلمان خلاق افرادی هستند که از تحصیلات و تجربه بالا برخوردار بوده و دارای علاقه و انگیزه حرفه‌ای و وجدان کاری قابل ستایش می‌باشند. برخورداری از چنین صفاتی سبب شده است تا این معلمان در فرایند آموزش از روش‌های خلاقه و کارآمد به طور مؤثری بهره‌گرفته و نتایج درخشانی کسب نمایند یافته‌های این پژوهش با نتایج محمدنژاد (۲۰۱۱)، رایلی و همکاران (۲۰۱۱) و هنریکسن و میشر (۲۰۱۳) همسو می‌باشد. با اینکه نتایج پژوهش‌ها در مورد تفاوت ویژگی‌های زنان و مردان متناقض می‌باشد ولی چون معلمان زن و مرد در زمینه تحصیلات، ویژگی‌های شغلی، شرایط تفریح، دوره‌های ضمن خدمت، ارتباط با همکاران و ... در شرایط برابر قرار دارند و خودکارآمدی خلاقانه جزء متغیرهای زیربنایی شخصیت محسوب نمی‌شود و عوامل محیطی و موقعیتی در آن دخیل است، لذا احتمال عدم وجود تفاوت بین معلمان زن و مرد مورد انتظار بود که در پژوهش حاضر این نتیجه حاصل شده است.

در فرضیه فرعی سوم پژوهش، نتایج به دست آمده بیانگر آن بود تفاوت معنی‌داری در میزان رفتار تدریس خلاقانه وجود دارد به این معنی که معلمان مرد و زن از نظر رفتار تدریس خلاقانه نسبت به یکدیگر تفاوت معنی‌داری دارند. اما بین سطح تحصیلات، تفاوت معنی‌داری از نظر رفتار تدریس خلاقانه مشاهده نشد. در تبیین نتایج حاصل می‌توان گفت در سازمان آموزش و پرورش، معلمان با هر مدرکی که باشند، دوره‌های ضمن خدمت در مورد موضوع و محتوای درس‌ها و آموزش را در

ابتدای سال تحصیلی دریافت می‌کنند. این دوره‌ها باعث افزایش سطح یادگیری و آموزش می‌شود و تفاوت مدرک تحصیلی را جبران می‌کند، به گونه‌ای که سطح آگاهی معلمان با مدارک مختلف تقریباً با هم برابر می‌شود و باعث عدم معناداری تفاوت‌های معلمان در مدرک تحصیلی و تدریس خلاقانه می‌شود. هرچند که اشتریان (۱۳۹۰) در پژوهش خود نشان داد هر چه مدرک تحصیلی معلمان بالاتر باشد میزان خلاقیت نیز افزایش می‌یابد و بر عکس هر چه مدرک تحصیلی معلم پایین تر باشد خلاقیت نیز کاهش می‌یابد تأثیر مدرک تحصیلی را از آن نظر می‌توان سنجد که معلمان در ضمن تحصیلات دانشگاهی با راه‌های پرورش خلاقیت دانش‌آموزان آشنا شده و سعی می‌کنند آن را بکار گیرند. معینی (۱۳۹۷) در پژوهش خود نشان داد نظر و باور معلمان با میزان تحصیلات، تجربه تدریس، و محیط تدریس متفاوت درباره گرامر یکسان نیست و تفاوت معنی‌داری بین آنان وجود دارد در حالی که تفاوت معنی‌داری بین نظر و باورهای معلمان زن و مرد (جنسیت) درباره گرامر و تدریس آن وجود ندارد. عزیزی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان بررسی زمینه‌ها و عوامل خلاقیت در تدریس معلمان خلاق در مدارس روستایی نشان دادند که خلاقیت در تدریس معلمان روستایی را می‌توان متأثر از سه دسته از عوامل مشتمل بر عوامل فردی (تجربه و تحصیلات، علاقه و انگیزه، وجدان کاری) عوامل فرهنگی (توجه به تفاوت‌های فرهنگی مناطق مختلف، محدودیت‌های فرهنگی مناطق محروم) و عوامل اداری (ساختار، مدیر مدرسه و همکاران) دانست. در مورد تفاوت بین معلمان در تدریس خلاقانه بر حسب جنسیت می‌توان گفت که خلاقیت و عملکرد خلاقانه از فرهنگ نیز تأثیر می‌پذیرد. این موضوع چنان بارز است که در مطالعات بین فرهنگی، هرگاه تغییرات فرهنگی که وابسته به جنسیت بودن نقص‌ها را کمرنگ می‌کند، رخ داده است، نمی‌توان اثر جنسیت را در دستاوردهای زنان و مردان مشاهده کرد. به عبارت دیگر، هرگاه عرصه برای ابراز وجود زنان در حوزه‌های اجتماعی باز بوده است، زنان در دستیابی به سطوح بالای موفقیت و بروز خلاقیت، هم‌رده هم‌تایان مرد خود بوده‌اند. متأسفانه تعاریف و برچسب‌هایی که اجتماع و حتی خانواده برای دختران و پسران تعیین می‌کند، کاملاً بر انتظارات و نقش‌هایی که زنان و مردان می‌پذیرند اثر گذار است. اغلب برچسب‌های زنانه در درون خود همراه با تبعیض هستند و به محدودیت زنان دامن می‌زنند. هنگامی که این محدودیت‌ها در زندگی ذهنی معلمان زن جا خوش کند، مهارت تفکر خلاقانه که لازمه پیشرفت و موفقیت است رنگ می‌بازد. لذا پیشنهاد می‌شود که مسئولان آموزش و پرورش دوره‌های آموزشی ضمن خدمت جهت تقویت باورهای خودکارآمدی معلمان برگزار نمایند همچنین به صورت ادواری به ارزیابی و سنجش نحوه تدریس معلمان معلمان اقدام کنند و در این زمینه‌ها نیز دوره‌های ضمن خدمت تشکیل دهند.

منابع

- امینه محبی، ا؛ ربیعی، م. (۱۳۹۸) بررسی رابطه باورهای خودکارآمدی و تدریس خلاقانه استادان در دانشکده پرستاری و مامایی مشهد. پژوهش در آموزش علوم پزشکی. شماره ۱. ص ۱۹-۱۰
- رحمانی زاهد، ف؛ هاشمی، ز؛ نقش، ز. (۱۳۹۶). مدل یابی علی خلاقیت. نقش سبک های تعامل معلم دانش آموز و نیازهای بنیادی روانشناختی. اندیشه های نوین تربیتی. دوره ۱۴. شماره ۱. ۵۵-۳۲
- رضاپور، ی. (۱۳۹۵). تأثیر منبع کنترل معلم، خودکارآمدی مدیریت کلاس و نظم، و خودکارآمدی در تدریس بر جو محیطی کلاس در معلمان دوره ابتدایی. رویکردهای نوین آموزشی. شماره ۲۳. ص ۱۴۵-۱۲۵.
- رضایی، ه؛ حقانی، ف. (۱۳۹۴). فنون مدیریت کلاس. راهنمایی برای اداره کردن کلاس درس. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی. شماره ۲۷. ص ۲۰۴-۱۹۲
- زاهد، ع؛ نامور، ی؛ نوبخت، ش. (۱۳۹۵) رابطه رضایت شغلی با خودکارآمدی معلمان راهنمایی شهرستان مشکین شهر. علوم تربیتی. سال دوم. ۱۲۸-۱۰۸
- شهیدی، ن؛ باعزت، س. (۱۳۹۳) ارائه الگویی ساختاری برای رابطه خودکارآمدی و شایستگی استادان با مدیریت کلاس آنان در منطقه یک دانشگاه آزاد اسلامی. همایش بین المللی علوم تربیتی و روانشناسی.

-فتحی، ف؛ عارفی، م؛ فتحی، ک. (۱۳۹۷) رابطه شیوه تدریس معلمان و پرورش نگرش علمی دانش آموزان مدارس ابتدایی دخترانه شهر تهران. پژوهش در برنامه ریزی درسی. سال ۱۵. شماره ۲۹. ص ۱۷۴-۱۶۲

-کاظمی، ح؛ شفقی، م. (۱۳۹۵). بررسی رابطه خودکارآمدی با خلاقیت شناختی و خلاقیت هیجانی در دانش آموزان. اولین همایش یافته های نوین در تعلیم و تربیت. دانشگاه فردوسی. مشهد.

-کاظمی، ح؛ شفقی، م. (۱۳۹۵). بررسی رابطه خودکارآمدی با خلاقیت شناختی و خلاقیت هیجانی در دانش آموزان. اولین همایش یافته های نوین در تعلیم و تربیت. دانشگاه فردوسی. مشهد.

-محبی امین، س؛ ربیعی، م. (۱۳۹۵). کیفیت تدریس خلاق بر اساس تجزیه دانشجویان پرستاری. مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت. ۴(۳). ۲۴۴-۲۵۵

Chong, W. H., Klassen, R. M., Huan, V. S., Wong, I., & Kates, A. D. (2010). The relationships among school types, teacher efficacy beliefs, and academic climate: Perspective from Asian middle schools. *Journal of Educational Research*, 103(3), 183-190.

-Craft, A, Cremin, T, Chappell, K and Burnard, P (2017) Possibility thinking and creative learning in Craft, A, Cremin, T and Burnard, P (eds) *Creative learning* 3-۱۱. Trentham

-Cremin, T (2014) Creativity, uncertainty and discomfort: teachers as writers. *Cambridge Journal of Education*, 36:3, 415-33

Dyson, S., Chang, Y., Chen, H., Hsiung, H., Tseng, C., & Chang, J. (2016). The effect of tabletop roleplaying games on the creative potential and emotional creativity of Taiwanese college students. *Thinking Skills and Creativity*, 19, 88-۹۶. <http://dx.doi.org/10.1016/j.tsc.2015.10.004>

-Esmaeeli, E; & Musavi. F. (2015). The Effect of Collaborative Teaching Based on the Electronic Environment on the Level of Creativity and Academic Achievement, National Conference on Applied Research in Educational Sciences and Psychology and Social Violence of Iran. .

-Horng, J. S., Hong, J. C., Chanlin, L. J., Chang, S. H., and Chu, H. C. (2005). Creative teachers and creative teaching strategies. *International Journal of Consumer Studies*, 29, 352-۳۵۸

-Hong JC, Horng JS, Lin L, Chang SH, Chu HC, Lin C (۲۰۰۵). Factors for creative teaching. In international conference on Redesigning Pedagogy: Research, Policy, Practice held at National Institute of Education. Nanyang Technological University

-Goss, P., Sonnemann, J., and Griffiths, K. (2017). *Engaging students: creating classrooms that improve learning*. Melbourne: Grattan Institute

Jeffrey, B and Craft, A (2013) Teaching creatively and teaching for creativity: distinctions and relationships. *Educational Studies*, 30:1, March.

-Jeffrey, B and Woods, P (2016) The creative school: a framework for success, quality and effectiveness. Abingdon: RoutledgeFalmer.

-Jeffrey, B (ed.) (2004) Creative learning practices: European experiences. London: Tufnell Press.

-Murcia, J. A. M. (2015). Goal orientations, motivational climate, discipline and physical self-perception related to the teachers gender, satisfaction and sport activity of a sample of spanish adolescent physical education students. *International Journal of Applied Sports Sciences (IJASS)*, 17(2), 44-58

-Reilly, R. C., Lilly, F., Bramwell, G., and Kronish, N. (2011). A synthesis of research concerning creative teachers in a Canadian context. *Teaching and Teacher Education*, 27 (3), ۵۳۳-۵۴۲

-Rejskind, F. G. (2000). TAG Teachers: Only the creative need apply. *ROEPER REVIEW*, 22 (3), 153-157.

-Ritchie K. 'A(2009) Comparison of the self-efficacy scores of preservice teachers based on initialcollege experience'. [Dissertation]. University of North Texas.

-Scott, G., Leritz, L.E., & Mumford, M.D. (2015). The effectiveness of creativity training: a quantitative review. *Creativity Research Journal*, 16, 361-3۸۸.

-Shahidi, N, Jaafari P, Ghourchian A, Behboodian J. [Developing A Structural Model For The Relationship Between Faculty Members' Self-Efficacy And Competencies With Teaching Quality In Islamic Azad University]. *Research in Curriculum Planning* 2012; 9(32): 49-۶۷. [Persian]

